



تعمولاتی جدید در جمعیت جهان (سال ۱۹۸۶)

ترجمه: دکتر مطیعی لنگرودی

استادیار و مدیر گروه جغرافیا، دانشگاه مشهد

طی سال ۱۹۸۶ حدود ۹۷ میلیون نفر بر جمعیت جهان افزوده شد، و جمعیت در این سال به چهار میلیارد و نهصد و چهل و دو میلیون نفر (۴,۹۴۲,۰۰۰,۰۰۰ نفر) با تراکم ۳۴/۵ نفر در کیلومتر مربع رسید .
از ۹۷ میلیون نفر افزایشی که در سال ۱۹۸۶ دیده می شود ، ۵/۹ درصد آن به کشورهای پیشرفته و ۹۴/۱ درصد آن به کشورهای رو به رشد تعلق دارد .

جدول شماره ۱- افزایش جمعیت کشورهای پیشرفته جهان در سال ۱۹۸۶

ردیف	مناطق و کشورها	جمعیت به هزار نفر
۱	اروپا بدون شوروی	۷۰۰
۲	آمریکای شمالی	۲,۳۰۰
۳	شوروی	۲,۰۰۰
۴	ژاپن	۷۰۰

باتوجه به چنین حالتی از افزایش جمعیت ، اختلاف فراوان در نرخ رشد طبیعی جمعیت کشورهای مختلف جهان مشاهده می گردد . این اختلاف از ۱/۹ - در هزار در آلمان غربی تا ۳۵ در هزار و گاهی بیش از آن در تعدادی از کشورهای رو به رشد می باشد . در دو یا سه دهه گذشته کشورهای رو به رشد به دلیل کاهش در میزان مرگ و میر تکامل شدید جمعیتی خود را شروع کرده اند ، و هر ساله تعداد کثیری بر جمعیت این کشورها افزوده می شود ، در حالیکه کشورهای پیشرفته این مرحله را در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم طی کرده اند ، و در نیمه دوم قرن بیستم رشد طبیعی جمعیت آنها با کاهش مواجه گردیده است . برعکس کشورهای رو به رشد که دارای جمعیت جوان می باشند ، پیری جمعیت و بالا بودن درصد سالخوردگان ، سبب ایجاد مشکلات فراوان در کشورهای پیشرفته گردیده است .

نرخ بالای مرگ و میر در طول قرنهای گذشته ، سبب کاهش رشد طبیعی جمعیت بوده است . و فوور بیماریهای اپیدمی تا اواسط قرن نوزدهم در اروپای غربی و اواسط قرن بیستم در سایر کشورهای جهان در افزایش میزان مرگ و میر عامل مؤثر بوده است . در قرن نوزدهم ، در بیشتر نواحی هندوستان قحطی و بیماریهای اپیدمی ترمزی برای رشد جمعیت محسوب می شدند . حتی در قرن بیستم در اروپای غربی اپیدمی ها باعث عدم افزایش جمعیت می شدند . از موارد دیگر تیفوس در اروپای مرکزی و گریپ اسپانیولی را در تمام اروپای بعد از جنگ جهانی اول می توان برشمرد . در فاصله بین جنگها و نیز بحرانها و قحطی ها ، جمعیت با افزایش مواجه بوده ، و در حالت برخورد با موارد بالا کاهش در میزان جمعیت دیده می شد .

تا آغاز قرن بیستم این حالت در کشورهای غیر صنعتی ادامه داشت . از این زمان ، توسعه طب عمومی ، بهداشت همگانی و رونق اقتصادی ، کاهش میزان مرگ و میر تا ۵۰ درصد و گاهی موارد بیش از آن را سبب گردید .

زاد و ولد در این زمان رو به افزایش بود ، در حالیکه مرگ و میر با کاهش مواجه بوده است . اختلاف بین این دو ، رشد طبیعی سالانه بین ۳ تا ۳/۵ درصد را به همراه داشت (زاد و ولد ۴۵ تا ۵۰ در هزار و مرگ و میر ۱۵ در هزار) .

در سال ۱۹۸۵ ، به دلیل کاهش مرگ و میر و گوناگونی نرخ زاد و ولد در کشورهای پیشرفته صنعتی ، رشد نسبی آرام بین ۰/۱ درصد (در اروپای غربی) ، تا ۱ درصد (در شوروی کانادا و ...) را می توان مشاهده نمود ، که نتیجه آن اختلاف قابل توجه در رشد جمعیت دو گروه از کشورهای جهان است .

جدول شماره ۲ زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت تعدادی از کشورهای جهان در سال ۱۹۸۵

ردیف نام کشورها نرخ موالید نرخ مرگ و میر رشد طبیعی زمان لازم (در هزار) (در هزار) جمعیت در برابر شدن جمعیت (بمسال)

۱	نیکاراگوا	۴۴	۱۰	۳۴	۲۰/۷
۲	هندوراس	۴۲	۱۰	۳۲	۲۲
۳	بولیوی	۴۳	۱۵	۲۸	۲۵/۱
۴	ماداگاسکار	۴۵	۱۷	۲۸	۲۵/۱
۵	پاکستان	۴۳	۱۵	۲۸	۲۵/۱
۶	سوئد	۱۲/۲	۱۱/۳	۰/۹	۷۷۰
۷	ایتالیا	۱۰/۱	۹/۵	۰/۶	۱۱۵۵
۸	لوگزامبورگ	۱۱/۱	۱۰/۸	۰/۳	۲۳۱۰
۹	بلژیک	۱۱/۵	۱۱/۲	۰/۳	۲۳۱۰
۱۰	آلمان شرقی	۱۳/۷	۱۳/۵	۰/۲	۳۴۶۶

جدول شماره ۲ گویای این مطلب است که از نظر رشد جمعیت بین دو گروه از کشورهای پیشرفته و در حال رشد جهان تفاوت فراوان دیده می شود.

۱- کشورهای با رشد جمعیتی ضعیف (کمتر از ۱ درصد سالانه)

کشورهای اروپای غربی از ابتدای قرن بیستم با کسری رشد طبیعی جمعیت مواجه گشته اند که عوامل آنرا می توان در جنگهای بین الملل اول و دوم و بحرانهای بین دو جنگ خصوصا " در سالهای ۱۹۳۰ جستجو کرد.

دولتهای اروپای غربی پس از جنگ، کوششهای فراوانی را برای افزایش رشد طبیعی جمعیت انجام داده اند، ولی موفقیت بدست آمده اندک بوده است. از این میان می توان از کشورهای آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا و... نام برد. حتی تعدادی از کشورهای اروپائی در سالهای اخیر با کاهش جمعیت (به دلیل پیشی گرفتن مرگ و میر بر زاد و ولد) مواجه گشته اند. در سال ۱۹۸۳ این حالت فقط در یکی دو کشور اروپائی دیده می شد، پس از آن با گذشت هر سال بر تعداد کشورهایی که دارای رشد منفی جمعیت می باشند افزوده شده است.

جدول شماره ۳- کشورهای دارای رشد منفی جمعیت در سال ۱۹۸۵

نام کشورها	نرخ موالید (در هزار)	نرخ مرگ و میر (در هزار)	رشد طبیعی جمعیت (در هزار سالانه)
آلمان غربی	۹/۶	۱۱/۵	-۱/۹
مجارستان	۱۲/۲	۱۳/۹	-۱/۷
دانمارک	۱۰/۶	۱۱/۴	-۰/۸
اتریش	۱۱/۵	۱۱/۸	-۰/۳

کشورهایی که در جدول فوق قرار گرفته اند علاوه بر اینکه هیچگاه

جمعیتشان دو برابر نمی گردد، بلکه در صورت ادامه چنین حالتی از رشد منفی جمعیت، می توان زمان لازم برای کاهش جمعیت آنها به نصف را محاسبه کرد.

در این کشورها از دهه های گذشته مبارزات شدیدی علیه بیماریهای عفونی و اپیدمی آغاز گردیده که علاوه بر کاهش مرگ و میر عمومی، سبب کاهش میزان مرگ و میر اطفال به کمتر از ۲۰ در هزار گردیده است. این رقم در سال ۱۹۸۵، در تعداد زیادی از کشورهای پیشرفته، حتی کمتر از ۱۰ در هزار بوده است. نظیر:

۱- ژاپن	۶/۲	در هزار
۲- ایسلند	۶/۲	"
۳- سوئد	۶/۴	"
۴- فنلاند	۶/۶	"
۵- سوئیس	۷/۱	"

نظارت پزشکی، آموزش و توسعه بهداشت، آزمایشات و پیگیری بیماریها واکسناسیون و سالم سازی محیط زیست، از مواردی بوده است که کاهش شدید مرگ و میر را به دنبال داشته است. با این وجود، نوع جدیدی از بیماریها که خاص زندگی مادی و ماشینی می باشد و همچنین سالخورده گی جمعیت، میزان مرگ و میر کشورهای پیشرفته را بین ۱۰ تا ۱۵ در هزار ثابت نگه داشته است. در حالیکه در تعداد فراوانی از کشورهای روبه رشد که جمعیت آنها هنوز به پیری و سالخورده گی نرسیده اند، میزان مرگ و میر کمتر از ۱۰ در هزار می باشد (جدول شماره ۵).

ار مشخصات جمعیتی کشورهای اروپای غربی، درصد کم جوانان در مقابل درصد بالایی از افراد مسن و سالخورده نسبت به سایر کشورهای جهان است.

جدول شماره ۴- درصد طبقات سن اروپا در سال ۱۹۸۵

ردیف	نام مناطق	درصد جوانان	بزرگسالان	سالخوردهگان
		۱۵-۶۴	۱۵-۶۵	ساله
۱	اروپا	۲۲	۶۵	۱۳
۲	اروپای شمالی	۲۱	۶۴	۱۵
۳	اروپای غربی	۲۰	۶۶	۱۴
۴	اروپای شرقی	۲۴	۶۵	۱۱
۵	اروپای جنوبی	۲۴	۶۴	۱۲

جنگ جهانی اول تاثير فراوانی در جمعیت اروپا داشته و آهنگ رشد طبیعی آن را ناموزون کرده است. مرگ و میر ۵ میلیون نفر از مردان متولد سالهای ۹۵-۱۸۸۵، که زنده هایشان امروزه حدود ۹۰ سال سن دارند. در همان زمان موالید بطور قابل ملاحظه ای کاهش یافته است. در هرم سنی تعدادی از کشورهای اروپائی، تورفتگی طبقات سنی متولد سالهای ۱۸-۱۹۱۴ گویای این حالت است.

موالید ضعیف سالهای ۴۰-۱۹۳۵، ناموزنی دیگری را در هرم سنی بعضی از کشورهای اروپایی وارد آورده است. دو جنگ بین الملل اول و دوم در تکامل جمعیتی آمریکای شمالی چندان تأثیری نداشته است، زیرا برخلاف اروپا، آمریکای شمالی از صحنه جنگ به دور بوده و از نظر جمعیتی مسائل اروپا را نداشته است.

امروزه رشد طبیعی جمعیت در آمریکای شمالی کمتر از ۱ درصد سالانه است. (برای اتازونی در سال ۱۹۸۵، نرخ رشد طبیعی جمعیت برابر ۷ در هزار بوده است).

نرخ مولید آن پس از بحران سالهای ۱۹۳۰، از ۲۲/۵ در هزار به ۲۵ در هزار در سالهای ۵۷-۱۹۴۷، و ۱۸/۵ در هزار در سالهای ۶۸-۱۹۶۶ و ۱۵/۷ در هزار در سال ۱۹۸۵ رسیده است. میزان مرگ و میر در این کشور که قبل از جنگ، بین الملل دوم ۱۰/۵ تا ۱۰/۷ در هزار بوده است، در سال ۱۹۸۵ به ۸/۷ در هزار رسیده است.

کانادا نیز همانند اتازونی با میزان مولید ۱۵ در هزار و مرگ و میر ۷ در هزار، در سال ۱۹۸۵، رشدی معادل اتازونی داشته است. در ترکیب جمعیتی آمریکای شمالی حالتی مناسب تردیده می شود سالخوردهگی جمعیت که سبب ایجاد مشکلات در برنامه ریزیهای اقتصادی اروپا گردیده است، در جمعیت آمریکای شمالی کمتر مشاهده می گردد. دلیل آن را می توان در دو برابر بودن نرخ رشد طبیعی جمعیت آمریکای شمالی نسبت به اروپا جستجو کرد.

در سال ۱۹۸۶، حدود ۲ میلیون نفر بر جمعیت اتازونی افزوده شد. این افزایش در تمامی کشورهای اروپایی بدون شوری ۷۰۰ هزار نفر بوده است.

علاوه بر آن، هر ساله ایالات متحده آمریکا نسبت به کشورهای اروپایی تعداد بیشتری از جمعیت جوان و فعال سایر کشورهای جهان را به صورت مهاجر می پذیرد. که امتیاز دیگری را در تکامل جمعیتی این سرزمین نسبت به اروپا بوجود می آورد. یک موضوع نگران کننده از نظر مسائل جمعیتی برای آمریکائی ها، عدم تساوی در آهنگ رشد جمعیت سفید و جمعیت سیاه در این سرزمین است. زیرا، میزان مولید جمعیت سیاه پوست بالاتر از جمعیت سفید پوست می باشد. در نواحی جنوبی ایالات متحده، بالا بودن نرخ مرگ و میر در بین سیاهان، زیادی نرخ مولید را خنثی می کند و دو جمعیت سیاه و سفید دارای نرخ رشد طبیعی یکسان می باشند. در حالیکه در ایالات شمالی به دلیل برخورداری سیاه پوستان از امتیازات بهداشتی و درمانی همانند سفید پوستان، نرخ مرگ و میر در بین سیاهان پایین بوده و نرخ مولید بالا، سبب تسریع رشد طبیعی جمعیت در بین سیاهان می گردد (نرخ رشد طبیعی جمعیت سیاهان در ایالات جنوبی ۱ درصد و در شهرهای بزرگ ایالات

شمالی ۱/۵ درصد است).

تکامل جمعیتی شوروی از نظر تلفات دو جنگ با جمعیت اروپا قابل مقایسه است. در حالیکه امروزه رشد جمعیتی آن شبیه به آمریکای شمالی می باشد. اولین جنگ جهانی و به دنبال آن بعضی از بیماریهای اپیدمی (تیفوس، وبا، تیفوئید، گریپ) حیات ۵ میلیون انسان را به نابودی کشیده است.

این حالت در هرم جمعیتی شوروی در سال ۱۹۲۶ که در طبقه سنی ۲۹-۲۵ ساله ۸۴ نفر مرد را در مقابل ۱۰۰ نفر زن نشان می دهد، قابل تشخیص است. طی دوران جنگ میزان مولید در شوروی یا کاهش مواجهه بوده است، ولی بعد از جنگ به حدود ۳۰ در هزار رسید، و سپس طی ده سال (۳۹-۱۹۳۰)، به ۲۴ در هزار کاهش یافت.

میزان مرگ و میر نیز، از ۲۱/۵ در هزار سال ۱۹۲۱ به ۱۵ در هزار در سال ۱۹۳۸ رسید و در نتیجه رشد طبیعی سالانه جمعیت حدود ۱ درصد بوده است.

دومین جنگ جهانی، فقدان قابل توجهی در جمعیت شوروی پدید آورد. ۱۷ میلیون مرده و معلول، سبب گردید که در سال ۱۹۴۶ در مقابل ۳۲ میلیون نفر مرد ۲۰ تا ۴۹ ساله، ۴۲ میلیون نفر زن در همین طبقه سنی وجود داشته باشد.

در دوره جنگ، مولید ۲/۵ میلیون نفر بوده است، در صورتیکه این مقدار قبل از جنگ حدود ۴/۴ میلیون نفر را شامل می شده است. بین سالهای ۵۵-۱۹۵۱ تعداد مولید به ۴/۷ میلیون نفر در سال رسید.

بنابراین منحنی رشد طبیعی جمعیت در طی این مدت دارای نوسان بوده است. نرخ زاد و ولد در سالهای ۵۵-۱۹۵۱ برابر ۲۶ در هزار، ۶۵-۱۹۶۱ برابر ۲۲ تا ۲۳ در هزار، در ۱۹۷۰ برابر ۱۷/۴ در هزار، در سال ۱۹۸۰ برابر ۱۸ در هزار و در سال ۱۹۸۵ حدود ۲۰ در هزار بوده است.

به نظر می رسد که بعد خانوار شوروی مخصوصاً "در جمهوریهای غربی در حال کاهش باشد. پیش بینی های دوایر دولتی یک نرخ زاد و ولد از تیب اروپای غربی را در این نواحی نشان می دهند. نرخ مرگ و میر در سال ۱۹۸۵ در این کشور، حدود ۱۱ در هزار و رشد طبیعی جمعیت ۱ درصد بوده است.

این رشد، افزایش سالانه جمعیتی سالیانه در حدود ۲ میلیون نفر را در این کشور نشان می دهد.

ژاپن تا دومین جنگ جهانی، از نظر مسائل جمعیتی در ردیف کشورهای رو به رشد طبقه بندی می شد. با نرخ مولید بالا (۳۵ تا ۴۰ در هزار)، و نرخ مرگ و میر در حال کاهش ولی هنوز تا حدودی بالا، که رشد طبیعی حدود ۱/۷ تا ۲ درصد را سبب می گردید.

اضطراب بمباران اتمی و شکست های اقتصادی و سیاسی ژاپن در

جنگ و مداخله ایالات متحده آمریکا سبب کاهش موالید گردید. طی ۴۰ سال میزان موالید، با استفاده از روشهای ضد بارداری به کمتر از نصف کاهش یافت و به سطح اروپای غربی رسید (۱۲/۵ در هزار در سال ۱۹۸۵).

طی همین مدت مرگ و میر نیز با کاهش فراوان مواجه گشته (۶/۲ در هزار در سال ۱۹۸۵)، و رشد طبیعی جمعیت در این سال به حدود ۶ در هزار رسیده است.

۲- کشورهای دارای رشد جمعیت قوی

کشورهای کم توسعه عمدتاً دارای نرخ رشد طبیعی جمعیت بالایی می‌باشند (بولیوی ۲۸ در هزار، نیکاراگوآ ۳۴ در هزار، هندوراس ۳۲ در هزار).

از عوامل عمده‌ای که در سالهای اخیر سرعت زیادی به آهنگ رشد جمعیت این کشورها بخشیده است، کاهش شدید نرخ مرگ و میر می‌باشد. طب عمومی، واکسیناسیون، ریشه کنی مالاریا، افزایش زایشگاهها، راهنمایی در تغذیه شیرخواران و توسعه بهداشت، کاهش شدید نرخ مرگ و میر این کشورها، خصوصاً در نرخ مرگ و میر اطفال ظاهر ساخته است. نرخ مرگ و میر در دو دهه گذشته در تعدادی از این کشورها، تا سطح ارقام کشورهای اروپائی و آمریکائی شمالی کاهش یافته و حتی، در تعدادی از کشورهای روبه رشد، این نرخ به کمتر از نصف کشورهای اروپای غربی و شمالی رسیده است.

(جدول شماره ۵)

ردیف	نام کشورها	نرخ مرگ و میر اطفال (در هزار)
۱	کاستاریکا	۴
۲	تایوان	۴/۸
۳	هنگ کنگ	۴/۸
۴	سنگاپور	۵
۵	جامائیکا	۵
۶	سری لانکا	۶
۷	مکزیک	۶
۸	آلمان غربی	۱۱/۵
۹	اتریش	۱۱/۸
۱۰	دانمارک	۱۱/۴
۱۱	فرانسه	۱۰/۱
۱۲	نروژ	۱۰/۶
۱۳	انگلستان	۱۱/۴
۱۴	سوئیس	۹/۲

بطوری که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌گردد، نرخ مرگ و میر در تعدادی از کشورهای رو به رشد، حدوداً "نصف نرخ مرگ و میر کشورهای پیشرفته در سال ۱۹۸۵ می‌باشد.

نرخ مرگ و میر اطفال که تا دو دهه پیش در تعداد فراوانی از کشورهای رو به رشد حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ در هزار بوده است، امروزه به کمتر از ۱۰۰ در هزار کاهش یافته است.

(جدول شماره ۶)

ردیف	نام کشورها	میزان مرگ و میر اطفال (در هزار)
۱	غنا	۹۰
۲	الجزایر	۸۸
۳	ماداگاسکار	۶۷
۴	مکزیک	۵۳
۵	چین	۵۰
۶	آرژانتین	۳۵/۲
۷	شیلی	۱۹/۶
۸	کاستاریکا	۱۸/۶
۹	کوبا	۱۵
۱۰	مارتینیک	۱۴
۱۱	تایوان	۸/۹

کاهش شدید مرگ و میر خصوصاً "مرگ و میر اطفال در این کشورها انفجار واقعی جمعیت را سبب گردیده است. از مشخصات جمعیتی این کشورها، جوانی جمعیت و بالا بودن درصد طبقه سنی ۱۵- سال می‌باشد.

در کشورهای رو به رشد از نظر حالت‌های مختلف رشد جمعیت که در سایه برنامه ریزیهای جمعیتی مختلف می‌باشد سه تیپ جداگانه از کشورها را می‌توان تشخیص داد:

۱- کشورهای با رشد طبیعی متوسط، به دلیل نرخ مرگ و میر بالا

در تعدادی از کشورهای رو به رشد میزان موالید هنوز در سطح بالا حفظ شده است. مرگ و میر نیز به دلیل عدم پیشرفت طب عمومی، بهداشت همگانی و... از نرخ بالایی برخوردار است، نظیر:

موزامبیک	۲۰ در هزار
گابون	" " ۱۸
کامرون	" " ۱۷

عامل دیگری که همانند ترمز، در کاهش رشد طبیعی جمعیت این تیپ از کشورها اثر می‌کند، بالا بودن میزان مرگ و میر اطفال می‌باشد. این میزان در بعضی از کشورها به حدود ۲۰۰ در هزار می‌رسد.

هند با میزان موالید ۳۵ در هزار و مرگ و میر ۱۳ در هزار،

دارای رشد طبیعی سالانه ۲/۲ درصد است .

نظیر این حالت در تعدادی دیگر از کشورهای رو به رشد جهان مشاهده می‌گردد .

به دلیل عدم وجود آمارهای دقیق جمعیتی ، خصوصا " از کشورهای این گروه ، ترسیم سیمای واقعی آنها تا حدودی مشکل می‌باشد ، ولی در این کشورها نیز یک جهش شدید در کاهش مرگ و میر مشاهده می‌گردد .

در مقابل آن نرخ مرگ و میر نیز کاهش داشته است . در نتیجه ، کاهش نرخ موالید ، کمتر توانسته است در کاهش رشد جمعیت مؤثر باشد .

منابع

۲-۲ کشورهای با رشد سریع جمعیت

در تعداد زیادی از کشورهای جهان ، خصوصا "کشورهای آمریکای لاتین ، به دلیل پیشرفتهای طبی ، کاهش شدیدی در میزان مرگ و میر پیدا شده و حتی در تعدادی از کشورهای این قاره میزان مرگ و میر حدود نصف کشورهای پیشرفته جهان می‌باشد (جدول شماره ۵) علیرغم کاهش شدید میزان مرگ و میر در تعداد زیادی از این کشورها میل چندانی برای کاهش میزان موالید در جمعیت آنها به چشم نمی‌خورد . در پی آن رشد سریع جمعیت در این سرزمینها دیده می‌شود . در جدول شماره ۲ کشورهای ردیف ۱ تا ۵ گویای حالت این تیپ از کشورهای جهان می‌باشند .

1- Images économiques du monde

J. BEAUJEU-GARNIER

A. GAMBLIN

A. DELOBEZ

Paris

Années :

1984, 1985, 1986.

2- Géographie de la population

P, GEORGE.

(Que Sais-je)

Presses universitaires de France.

1980.

3- Population, ressource, environment

P, EHRLICH, et A, EHRLICH.

Paris Fayard. 1972.

۳-۲ کشورهایی که در آنها اقدام به محدودیت موالید دیده می‌شود

در دهه گذشته مسائل جمعیتی چین از تغییر و تحولات عمیقی برخوردار گردیده است . این کشور در سال ۱۹۷۰ ، با نرخ موالید حدود ۳۳/۱ در هزار و نرخ مرگ و میر ۱۵/۳ در هزار ، زمان لازم برای دو برابر شدن جمعیت آن ۳۵ سال بوده است . ادامه این وضعیت ، مسلما "مشکلات فراوان اقتصادی و اجتماعی برای این کشور به دنبال داشت . لذا این کشور از نظر کنترل جمعیت به برنامه ریزیهای متنوسل گشته است . (رسمیت سقط جنین ، عقیم کردن مردان و زنان و ...) در پی این برنامه ریزیها چین توانست به رشد طبیعی جمعیت حدود ۱ درصد سالانه نائل گردد (میزان موالید ۱۸ در هزار و مرگ و میر ۸ در هزار در سال ۱۹۸۵) .

طی سال ۱۹۸۶ حدود ۸ میلیون نفر بر جمعیت این کشور افزوده شد و جمعیت آنرا در انتهای این سال به رقم یک میلیارد و پنجاه میلیون نفر رسانید . در حالیکه هند در سال ۱۹۸۶ ، با جمعیتی حدود ۷۸۵ میلیون نفر ، افزایشی حدود ۱۵ میلیون را دارا بوده است . با چنین رشدی ، هند برای تبدیل شدن به یک کشور میلیاردنفری ، به ۱۴ سال زمان نیاز دارد .

به نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک نرخ رشد طبیعی جمعیت در تعداد زیادی از کشورهای رو به رشد کاهش یابد . زیرا با وجودی که نرخ موالید در این کشورها طی دو دهه گذشته با کاهش مواجه بوده است ،

